

## خصائص شعر ناصر خسرو و آثار خویش

## خصائص شعر ناصر خسرو وآثاره

م.د. بايش جبار زیارة عبد العکلی

جامعة بغداد/ كلية اللغات - القسم الفارسي

الملخص:

يعدُّ ناصر خسرو احد كبار الشعراء والعلماء والمنتكلمين الفرس بلا شك . ميزة شعره الاساسية مشتملة على المواعظ والحكم الكثيرة وكذلك ظهرت له ناحية دعوته المذهبية في اشعاره الدينية . وفي بيان اوصاف الطبيعة كالفضول والليل والسماء والنجوم وامثال ذلك . كذلك فان قدرة الشاعر كبيرة ، ودقة عمله وافره . وقد اتصل بكبار الاسماعيليين والف كتب كثيرة وقصائد واشعار وخلق ناصر خسرو العديد من الاعمال التي لديها معلومات واسعة بالشعر الفارسي .

### خصائص شعر ناصر خسرو و آثار خویش پیشگفتار

ناصر خسرو ، شاعر معروف قرن پنجم هجری از مردم قبادیان بلخ است ، که چون از سال ٤٣٧ بعد ، بر اثر مسافرتی بمکه وقاهره کرده واز خلیفه فاطمی مذهب اسماعیلی پذیرفته و بریاست اسمعیلیان خراسان برگزیده شده بود لقب حجت زمین خراسان یافت . وبعد باز گشت بایران از یم متعصبان خراسان بناحیه بدخشان در اقصای مشرق ایران پناهنده شد ودر قلعه یمگان اعتکاف گزید وهمانجا بارشاد اسمعیلیان و تالیف کتب وسرودن اشعار خود سر گرم بود تا بدرود حیات گفت . اطلاعات وسیع ناصر موجب ایجاد آثار متعددی بنثر فارسی شد که اهم : زاد المسافرین ، جامع الحکمتین ، سفر نامه است .

علاوه بر آنها دیوان قصائد ودو مثنوی حکمی سعادتنامه ، روشنایی نامه که انتساب آن هر دو بناصر مورد تامل است ، شهرت دارد . این حکیم فاضل بی تردید یکی از شاعران بسیار توانا وسخن آور فارسی است . خاصیت عمده شعر اشتمال آن بر مواعظ وحکم بسیار است . ونیز جنبه دعوت مذهبی او اشعارش رنگ دینی آشکاری داده است .

١-مبحث اول : ابو معین ناصر بن خسرو قبادیانی  
ناصر خسرو بی تردید یکی از شاعران بسیار توانا وسخن آور فارسی است . خاصیت عمده شعر اشتمال آن بر مواعظ وحکم بسیار است ، ونیز جنبه دعوت مذهبی او باشعارش رنگ دینی آشکاری داده است . در بیان اوصاف طبیعت مانند فصول و شب وآسمان وستگاران ونظایر آنها هم قدرت شاعر بسیار ودقت وریزه کاریش فراوانست .

ناصر خسرو گوید:

نگوهش مکن چرخ نیلو فری را      برون کن ز سر باد خیره سری را

بری دان ز افعال چرخ برین را  
همی تا کند چیشه عادت همی کن  
نشاید نکوهش ز دانش بری را  
جهان مر جفا را تو مر صابری را  
اگر تو ز موختن سر نتابی  
بجوید سر تو همی سر و ری را (۱)

زندگی او

ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی، شاعر معروف قرن پنجم هجری (۳۹۴-۴۸۱) مطابق با (۱۰۰۳-۱۰۸۸) از مردم قبادیان بلخ است، که چون از سال ۴۳۷ بعد، بر اثر مسافرتی بمکه وقاهره کرده واز خلیفه فاطمی مذهب اسماعیلی پذیرفته وبریاست اسمعیلیان خراسان بر گزیده شده بود لقب (حجت زمین خراسان) یافت (۲)

وبعد بازگشت بایران از نیم متعصبان خراسان بناحیه بدخشان در اقصای مشرق ایران پناهنده شد و در قلعه یمگان اعتکاف گزید و همانجا بار شاد اسمعیلیان و تالیف کتب و سرودن اشعار خود سر گرم بود تا بدرود حیات گفت. اطلاعات وسیع ناصر موجب ایجاد آثار متعددی بنثر فارسی شد که اهم: زاد المسافرین، جامع الحکمتین، سفر نامه است.

ناصر خسرو از ابتدای جوانی در تحصیل علوم وفنون رنج برده بود. قرآن را از حفظ داشت ودر تمام علوم متداول زمان خود از معقول ومنقول وعلی الخصوص علوم اوایل و حکمت یونان تسلط داشت وعلم کلام وحکمت متألّهین را نیک می دانست ودر باره ملل ونحل تحقیقات عمیق واطلاعات کثیر داشت وعلاقه بکتاب ودانش در او بدرجه یی بود که در سفر وحضر همواره کتابهای خود را با خویشتن داشت وحتى در سخت ترین احوالی که در سفر بازگشت از عربستان بایران داشته است آن کتابها را بر شتر حمل کرده و خود بابرادرش پیاده طی طریق نموده است. ناصر خسرو به میرو و به دربار سلیمان چغری بیک، برادر طغرل سلجوقی رفت و در آنجا نیز با عزت و اکرام به حرفه دبیری خود ادامه داد و به دلیل اقامت طولانی در این شهر به ناصر خسرو مروزی شهرت یافت.

همان ناصر من که خالی نبود ز من مجلس میر و صدر وزیر  
نخواندی به نامم کس از بس شرف ادبیم لقب بود و فاضل دبیر  
به تحریر اشعار من فخر کرد همی کاغذ از دست من بر حریر (۳)

وی که به دنبال سرچشمه حقیقت میگشت با پیروان ادیان مختلف از جمله مسلمانان، زرتشتیان، مسیحیان، یهودیان و مانویان به بحث و گفتگو پرداخت و از رهبران دینی آنها در مورد حقیقت هستی پرس و جو کرد. اما از آنجا که به نتیجه ای دست نیافت دچار حیرت و سرگردانی شد و برای فرار از این سرگردانی به شراب و میگساری و کامیاری های دوران جوانی روی آورد.

ناصر خسرو این مسافرت هفت سال طول کشید و با عودت بلخ در سال ۴۴۴ و دیدار برادر دیگر خود خواجه ابو الفتح عبدالجلیل خاتمه یافت. در این سفر چهار بار حج کرد وشمال شرقی وشمال غربی وجنوب غربی ومركز ایران وممالک وبلاد ارمنستان وآسیا صغیر وحلب وطرابلس شام وسوریه

وفلسطین وجزیرئ العرب ومصر وقیروان ونوبه وسودان را سیاحت کرد ودر مصر سه سال بسر برد ودر آن بمذهب اسمعیلی گروید وبخدمت خلیفه فاطمی المستنصر بالله وبعده از طی مراحل و مدارج مرتبه حجت یافت واز طرف امام فاطمیان بمقام حجت جزیره خراسان که یکی از جزایر دوازده گانه دعوت اسمعیلیه بود، همچنانکه در زادالمسافرین گفته است: (مر نوشته الهی را که اندر آفاق وانفس است بمتابعان خاندان حق نمایم بدستوری که از خداوند خویش یافته ایم اندر جزیره خراسان). (۴) هنگامی که ناصر خسرو از سفر مصر وحجاز بخراسان باز میگشت ، پنجاه ساله بود. وی بعد از بازگشت بموطن خود بلخ رفت ودر آنجا شروع بنشر دعوت باطنیان کرد وداعیان باطراف فرستاد وبمباحثات با علمای اهل سنت پرداخت اندک اندک دشمنان ومخالفان او از میان متعصبان فزونی گرفتند و کار را بر او دشوار کردند وحتى گویا فتوای قتل او داده شد. ناصر خسرو از آنجا به مازندران رفت و سپس به نیشابور آمد و چون در هیچ کدام از این شهرها در امان نبود به طور مخفیانه میزیست و سرانجام پس از مدتی در بدری به دعوت امیر علی بن اسد یکی از امیران محلی بدخشان که اسماعیلی بود به بدخشان سفر نمود و بقیه ی ۲۰ تا ۲۵ سال عمر خود را در یمگان بدخشان سپری کرد.

ناصر خسرو وآثار خویش

ناصر خسرو از آثار منثور او مسلما از ویست ، این کتب را یاد کرده اند: خوان اخوان، گشایش و رهایش، جامع الحکمتین، سفر نامه، سفر نامه، زاد المسافرین، وجه دین، بستان العقول، دلیل المتحرین. دارای تالیفات و تصنیفهای بسیار بوده است، چنانچه خود درین باره گوید: منگر بدین ضعیف تنم زانکه در سخن / زین چرخ پرستاره فزونست اثر مرا

آثار ناصر خسرو عبارت اند از:

• دیوان اشعار فارسی

• از مهمترین آثار او دیوان اشعار اوست که گنجینه ای است از اشعار فصیح و بلیغ وافکار بلند وعمیق وترکیبات و صطلاحات وتعبیرات شیرین فارسی ، ومجموعه ایست از مضامین قرآنی و احادیث نبوی و سخنان بزرگان ، ونیز مشتمل است بر پندهای حکیمانه ، و بیان مطالب عالی فلسفی وخداشناسی وجهان شناسی ، وهمچنین انتقاد از نا درست ها و زشتکاریها ودفاع حق ومبارزه باطل مبتنی بر مذهب شیعی اسماعیلی و بالجمله این مجموعه یکی از آثار نشان دهنده فرهنگ توانا و تونگر علمی وانسانی ایران در سده پنجم هجری است.(۵) دیوان اشعار عربی در دست نیست. خود درباره دو دیوان فارسی و تازی چنین گوید:

بخوان هر دو دیوان من تا ببینی / یکی گشته با عنصری، یحتری

دیوان ناصر خسرو که محتویات آنرا تا سی هزار بیت نوشته اند اکنون زیاده بر یازده هزار بیت دارد ودر آن اشعار فلسفی و اخلاقی ومذهبی وقطعات عبرت آمیز فراوانست.(۶)

جامع الحكمين - درین کتاب ناصر خسرو در شرح قصیدهء معروف خواجه ابوالهیثم پیش از این بدان اشاره کرده ایم.

• خوان الاخوان - کتابی است به نثر در اخلاق و حکمت و موعظه.

• زادالمسافرین - زاد المسافرین در بیست وهفت قول نوشته شده.

گشایش و رهایش - یکی از رسالات فارسی ناصر خسرو است. این کتاب در جواب چند سؤال است بدین طریق سی سؤال و جواب هریک از آنها درین کتاب کرد آمده است.

• وجه دین - یکی از آثار مهم مذهبی ناصر خسرو است که آنرا در مختصری از مسائل کلامی و تأویلات و باطن عیانات و احکام شریعت بطریقهء اسمعیلیان نوشته است .

• سفرنامه - این کتاب مشتمل بر سفر ممتد ناصر خسرو است و حاوی اطلاعات دقیق و بیان عادات و آداب مردم ممالک و انوحی مختلف است. (٧)

نمونه های از اشعار ناصر خسرو در مدح اهل بیت و پیامبر اسلام

جز جفا با اهل دانش مر فلک را کار نیست

زانکه دانا را سوی نادان بسی مقدار نیست

بد به سوی بد گراید نیک با نیک آرمد

این مر آن را جفت نی و آن مر این را یار نیست

همچنان کندر گزارش کردن فرقان به خلق

هیچ کس انباز و یار احمد مختار نیست

همچنان در قهر جباران به تیغ ذو الفقار

هیچ کس انباز و یار حیدر کرار نیست

اصل اسلام این دو چیز آمد قران و ذوالفقار

نه مسلمان و نه مشراک را دین پیکار نیست

همچنان کاندر سخن جز قول احمد نور نیست

تیز تیغی جز که تیغ میر حیدر نار نیست

احمد مختار شمس و حیدر کرار نور

آن بی این موجود نی و این بی آن انوار نیست

هر که نور آفتاب دین جدا گشته ست ازو

روزهای او همیشه جز شبان تار نیست (٨)

چشم سر بی آفتاب آسمان بی کار گشت

چشم دل بی آفتاب دین چرا بی کار نیست؟

بر سر گنجی که یزدان در دل احمد نهاد

جز علی گنجور نی و جز علی بندار نیست  
وانکه یزدان بر زبان او گشاید قفل علم

جز علی المرتضی اندر جهان دیار نیست (٩)

\*

\*

\*

پشتم قوی به فضل خدای است و طاعتش

تا در رسم مگر به رسول و شفاعتش

پیش خدای نیست شفیع مگر رسول

دارم شفیع پیش رسول و آل عترتش

با ال او روم سوی او هیچ باک نیست

برگیرم از منافق ناکس شناختش

دین خدای ملک رسول است و خلق پاک

امروز امتان رسولند و رعیتش

آن مال خدا است که زنها نهاده است

اندر دل پاکیزه پیغمبر و آلش

آن آب حیات است که زنهار نهاده است

نفسی که ازین داد کریم متعالش

## خصایص ناصر خسرو

ناصر خسرو شاعر و نویسنده و متکلم بزرگ اسمعیلی مذهب قرن پنجم هجری را پیش ازین بتفصیل آورده ایم. از این مرد دانشمند چند کتاب و رسالهء مهم بنثر پارسی با قیست و چندین رساله هم بدو منسوبست از قبیل سر الاسرار درتسخیر کواکب و رساله یی در سر گذشت او واکسیر اعظم در منطق وقانون اعظم در علوم عجیبه و غیره که نه صحت انتساب هیچیک از آنها بناصر خسرو مسلم نیست بلکه میتوان در انتساب همهء آنها بدو تردید کلی کرد. (۱۰) آثار او از گنجینه‌های ادب و فرهنگ ما محسوب می‌گردند. او در خداشناسی و دینداری سخت استوار بوده است، و مناعت طبع و پلندی همت و عزت نفس و صراحت گفتار و خلوص او از سراسر گفتارش آشکار است. ناصر در یکی از قصاید خویش میگوید که به یمگان افتادنش از بیچارگی و ناتوانی نبوده، او در سخن توانا است، و از سلطان و امیر ترس ندارد، شعر و کلام او سمحر حلال است. او شکار هوای نفس نمی‌شود، او به یمگان از پی مال و منال نیامده است و خود یمگان هم جای مال نیست. او بنده روزگار نیست، چرا که بنده‌ی آز و نیاز نیست، این آز و نیازند که انسان به درگاه امیر و سلطان می‌آورند و می‌مانند. ناصر جهان فرومایه را به پیشیزی نمی‌خرد. (از زبان خود ناصر خسرو). او به آثار منظوم و منثور خویش می‌نازد و به علم و دانش خویش فخر می‌کند، این کار او گاهی خواننده را وادرا می‌کند که ناصر به یک شخص خود ستا و مغرور به خودپرست قلمداد کند.

ناصر در سفرنامه رویدادها و قضاها را با بیطرفی و بی غرضی تمام نقل می‌کند. اما زمانی که به زادگاهش یلخ می‌رسد و به امر دعوت به مذهب اسماعیلی مشغول می‌شود، ملاًها و فقه‌ها سد راه او شده و عوام را علیه او تحریک نموده، خانه و کاشانه‌اش را به نام قرمطی، غالی و رافضی به آتش کشیده قصد جاننش می‌کنند، به این سبب در اشعار لحن او اندکی در تغییر می‌کند، مناعت طبع، بردباری و عزت نفس دارد اما نسبت گرایش به مذهب اسماعیلی و وظیفه‌ای که به وی واگذار شده بود و نیز رویارویی با علمای اهل سنت و با سلجوقیان و خلیفه‌گان بغداد که

مخالفتان سرسخت اسماعیلیان بودند، ستیز و پرخاشگری در وی بیدار می‌شود، به فقیهان و دین‌آموختگان زمان می‌نازد و به دفاع از خویشتن می‌پردازد. (۱۱)

## موضوعات شعر ناصر خسرو

ناصر خسرو بی تردید یکی از شاعران بسیار توانا و سخن آور فارسی است. وی طبعی نیرومند و سخنی استوار و قوی و اسلوبی نادر و خاص خود دارد. زبان این شاعر قریب بزبان شعرای آخر دوره سامانی است و حتی اسلوب کلام او کهنگی بیشتری از کلام شعرای دوره اول غزنوی را نشان میدهد. دیوان او بسیاری از کلمات و ترکیبات بنحوی که در اواخر قرن چهارم متداول بوده و استعمال میشده است، خاصیت عمده شعر ناصر خسرو و اشتغال آن بر مواعظ و حکم بسیار است. (۱۲) بهمین سبب ناصر خسرو چه از حیث افکار حکیمانه و زاهدانه و چه از حیث سبک و روشن بیان تحت تاثیر آنها قرار گرفته و بسیاری از قصائد او را جواب گفته و قصائد خود را بر اشعار آن شاعر چیره دست بر تری داده است.

خاصیت عمده شعر ناصر اشتغال آن بر مواعظ و حکم بسیار است و نیز جنبه دعوت مذهبی او با شعارش رنگ دینی آشکاری داده است و ذهن علمیش نیز باعث شد که او بشدت تحت تاثیر روش منطقیان در بیان خود قرار گیرد. ناصر خسرو میخواهد جامعه‌ای است پیراسته و پاک؛ دور از مفساد اخلاقی، آدم‌کشی، دزدی، رشوه‌خواری، خیانت، چاپلوسی، عیش و عشرت. وی معتقد است که چنین جامعه‌ای جز زیر سیطره دین بوجود نمی‌آید. ناصر مدیحه‌گویی را دروغ می‌شمارد و از شاعرانی که امیران و سلاطین را مدح می‌کنند بیزار است، او شاعری را می‌پذیرد که شعرش راهنمای مردم باشد. محور شعر ناصر عقیده مذهبی و اخلاق است و وی همه چیز را زیر سیطره‌ای این دو قرار داده، از این رو دیوان اشعارش اغلب مشتمل است بر باورهای دینی، اخلاق و بقول امروزی اشعار سیاسی در انتقاد از میران، شاهان و سرابندگان ستایشگر، انتقاد از عالمان دینی که دین را وسیله قرار داده خود تا گلوگاه غرق در گناه هستند.

ناصر در اشعار خویش به قرآن استناد می‌کند. در بسیار موارد آیات قرآن را تضمین می‌کند. وی برای قرآن درونسو و بیرونسو و یا به معنای دیگر تنزیل و تاویل قایل است. وی معتقد است که هرکس بی تاویل به قرآن دست یازد او گمراه است. قرآن دختری پوشیده است که زیورش علی است و قرآن بدون این تاویل موجب هلاک است.

درباره شعر ناصر خسرو استادی قوی طبع و نادر اسلوب است شعرش عمیق و پر معنی و طریقهء بیانش در نهایت درجهء متانت و جزالت است نظم ادله و قوانین علمی را که خسروی سر خسی پی افکنده بود وی به حد اعلی رسانید و چون به شاعری نظر نداشت و به لحاظ نشر دعوت و نفاذ عقیدت شعر می‌گفت ابیات او مجموعه‌ای از ادله عقلی و مذهبی گردید و از شور و افکار شاعرانه خالی ماند و اگر احیانا بدان افکار متوجه می‌شد روح فلسفی و مذهبی او را با کمال شدت منصرف می‌ساخت و به خود کشیده می‌داشت و برای همین است که هر قصیده که در وصف یکی از مناظر طبیعی گفت و مثلا بهار یا شب را وصف کرد از آن، تحول و عدم ثبات احوال روزگار را نتیجه گرفت و بدین سبب توجه به عالم معنی و بی اعتنایی به

عالم طبیعی و مناظر دلکش طبیعت را بر هر کس لازم دانست ، بطوری که هر گاه ابتدا یکی از قصاید بهاریهء اورا خواندید و آن تشبیهات عجیب را دیدید انتظار داری داوهم مثل شعرای دیگر به مغتنم شمردن این فصلها و باده-گساری و کامروایی دعوت کند، این زمینیہ اساس اغلب قصاید اوست. (۱۳)

حکیم ناصر خسرو (۴۸۱-۳۹۴ هجری) از چهره های درخشان ادبی و علمی ایران است. در طی زندگی پرحادثه و آشوب خود نه تنها فعالیت های مذهبی و سیاسی خود را به خوبی دنبال کرد و رسالت انسانی خود را به انجام رسانید ، بلکه توانست آثار ارزنده و سودمندی از خود به یادگار بگذارد. (۱۴) یکی از نابغه های فکری و شاعر مشهور ادب فارسی در قرن پنجم هجری (یازدهم میلادی) محسوب می گردد. ابو معین ناصر پسر خسرو پسر حارث قبادیانی، شاعر، حکیم، نویسنده و سیاح مشهور و داعی بزرگ اسماعیلی در کیش اسماعیلی معروف به حجت خراسان در سال ۳۹۴ ه. در قبادیان بلخ (در شمال افغانستان امروزی) بدنیا آمد است. ناصر خسرو در آغاز زندگی در دربار پادشاهان غزنوی اشتغال داشت، اما در سال در اثر خوابیکه دیده بود به قول خودش از خواب غفلت بیدار شد، شغل دیوانی را کنار گذاشت و در جستجوی حقیقت، معرفت و کمال به مسافرت پرداخت، تا سال ۴۴۴ هجری در مسافرت یسر برد. وی مدت هفت سال سرزمین عربستان و شمال شرقی و جنوب غربی و مرکزی ایران و آسیای صغیر و شام و سوریه و فلسطین و مصر و قیروان و سودان را سیاحت کرد. مدت سه سال در مصر بماند، درین مسافرت هفت ساله با حکما و دانشمندان علمای ادیان مختلف ملاقات کرد و مباحثات آراست در مصر با الموید فی الدین شیرازی ملاقات نموده و از طریق وی در مصر بدیدار خلیفه فاطمی (امام اسماعیلی) المستنصر بالله مشرف گردید، او کیش اسماعیلی را موافق میل و آرزوی خود یافت و بدان پیوست و عنوان حجت خراسان را دریافت نمود. و در سال ۴۴۴ هجری که حدود پنجاه سال داشت به خراسان برگشت و به بلخ زادگا اصلی خویش فرود آمد، و بدعوت مردم به کیش اسماعیلی پرداخت. اما با خصومت امرای سلجوقی ترک مواجه شد. (۱۵) امرای سلجوقی شاید هم با اشاره خلفای بغداد (عباسیان) که دشمنان خونی اسماعیلیان هستند عوام و علمای اهل سنت را علیه وی تحریک کرده، باب خصومت را باز نمودند. عوام در تبانی با ملاها دست به آشوب زده به خانه اش هجوم برده به آتش کشیدند. آخر ناگزیر خانه و کاشانه را ترک نموده متواری گشت، ابتدا به مازندران رفت و بعد به گرگان و بالاخره به (یمگان) بدخشان (افغانستان) پناهنده شد و بقیه عمر خود را در آنجا گذراند. ناصر خسرو بقیه عمر خود در بدخشان به تحقیق و تصنیف و تألیف پرداخت، تا آنکه در سال ۴۸۱ هجری پدرود حیات گفت.

- ۱ - سفرنامه (ناصر خسرو درین سفر طولانی عجایب دید)
- ۲ - زاد المسافرین (که در ۴۵۳ هجری تألیف شده است برا اثبات عقاید اساسی اسماعیلیه از روی استدلال .)
- ۳ - وجه دین (که در تاویلات و باطن عبادات به طریقه اسماعیلیان .)



۴ - خوان الاخوان شش فصل یا روشنائی نامهء نثر ۵- کتاب عجائب الصنعه  
 ۶ - سعادت نامه ۷- دلیل المتحرین ۸ - دیوان اشعار ۹- جا مع الحکمتین و  
 کتب چند دیگری منسوب به ناصرخسرو هستند که به مرور زمان از بین  
 رفته‌اند و یا شاید در مناطق کوهستانی بدخشان در نزد اشخاص و افراد  
 محفوظ هستند. (۱۶)

حکیم ناصرخسرو دارای تألیفات زیادی بوده مه برخی از آنها به مرور زمان  
 نابود گشته شوربختانه به دوران ما نرسیده اند. چنانچه خود در باره تألیفات  
 و تصنیفاتش گوید:

منگر بدین ضعیف تنم زانکه در سخن زین چرخ پر ستاره فزون است اثر مرا

این کتابها عبارت اند از:

- جامع الحکمتین - رساله است به نثر دری در بیان عقاید اسماعیلی.  
 - خوان الاخوان - کتابی است به نثر دری در اخلاق و حکمت و موعظه.  
 - زادالمسافرین - کتابی است در حکمت الهی بزبان دری.  
 - گشایش و رهایش - رساله لیست به نثر دری شامل سی سوال و جواب  
 آنها.

- وجه دین - یکی دیگر از آثار مهم مذهبی ناصر خسرو است.  
 - سفرنامه - کتابیست که خلص محتوای سفر هفت ساله اش را در بر دارد.  
 - سعادت نامه - رساله ایست منظوم شامل سیصد بیت.  
 - روشنائی نامه - این هم یک رساله منظوم است.  
 به غیر از اینها کتب و رسالات دیگری نیز منصوب به حکیم ناصرخسرو  
 هستند که ازین قرار اند: (۱۷)

پیرامون روزگار عجایب و غرایبو می‌راث گران مایه و گران پایه علمی و  
 فرهنگی، فلسفی و جهانگردی و دنیا شناسی حکیمناصر خسرو، دانشمند  
 قرن ۱۱ میلادی، در کشورهای فارسی زبان و ایرانی تبار) تاجیکستان،  
 ایران، افغانستان، پاکستان) و بیرون از آن (روسیه، فرانسه، انگلستان  
 وغیره) محققان با مقالات و تألیفات علیحده عرض عقیده نموده و از می‌راث  
 فراخ دامنعلمی و معرفتی حجت خراسان یعنی ناصر خسرو قبادیانی دلیل و  
 نمونه ها آورده اند .

جهت زبان دانی و زبانشناسی، سخن ورزی و سخن آفرینی، واژه شناسی  
 و پایداری سبک خراسانی این دانشمندایرانی تنها اشاره های جداگانه به  
 نظر می رسند. حالا آن که سرمنشا غایه های انساندوستی و انسان  
 پروری، پند و حکمتهای سازگار زمان و دوران ناصر خسرو به زبان و  
 اسلوبمردم پسند همبستگی قوی دارد. (۱۸)

خلاصه عمومی پژوهشگران زبان دوره کلاسیکی تاجیکیدری و فارسی این  
 است که پس از دوره سامانیان و ستایشگران سخنور و سخن سنج آن،

رودکیو فردوسی و پیروان آنها، زبان ادبی و دولتی تدریجا به مرکبی و دشوار فهمی رو نهاد واز سرچشمه خود یعنی زبان مردمی نسبتا دور شد . ناصر خسرو چون زبان شناس و داننده زبانهای مختلفزمان خویش توسط خودآموزی و درس خوانی زبانهای عربی و یونانی را خوب هضم کرده بود . "و آن چه در زمان من بود از فقه و اصولا قلام او اکثر را به مطالعه ضبط کردم و نهصد تفسیر به نظر زدم. و در این مدت پانزدهسال دیگر گذشت. بعد از آن به دانستن زبان ثلاثه شروع کردم یعنی تورات موسی و انجیلیسی و زبور داود علیه السلام... معلم اول شمس القیس، معلم دوم شیمورانیس، معلم سومبطلمیوس... و بعد از این چون جمله را گرداندم، علم ایمان... و مذهب در ضمی و باطنو به حکمت و منطق و احکام الهی، طبیعی و قانون اعظم و طب و علم ریاضت و علمسیاست ..." از این رو میتوان خلاصه کرد که آموزش و پژوهش ماخذها و ارزشهای همبسته تمدن نصرانی و بودایی و غیره بی ترجمه در زمینه مطالعه سرچشمه اصلی صورت گرفته است، عقائد دانشمند و تصویر توضیح مسائل به زبان ذهن رس تاجیکی فارسی انعکاس شده است. (۱۹) این هم قابل توجه است کههدانشمند جهانگرد و جهان شناس غایه مندرجه کتابهای الهی را همبسته و همبرسته شمرد و تفاوت اساسی را در کاربرد زبانها می شمارد. این نظر بشردوستانه ناصر خسرو در کتاب وجه دین با چنین سخنانی عامه فهم افاده شده است:

"میان تورات و انجیل و قرآن به معنی هیچ اختلاف نیست مگر به ظاهر لفظ مثل و رمز خلاف هست. پس میان رومیان انجیل است و میان روسیانتورات و میان هندوان صحوف ابراهیم".

بخوان هر دو دیوان من

زبان دانی و زبانشناسی ناصر خسرو در پایه دو زبان مشهور خاور زمینی یعنی زبان عربی و فارسی تاجیکی ودری که لفظ مادری و اجدادی دانشمند محسوب می شد، بسا نمایان و عبرت آموز است، زیرا کشفیات و ایجادگری ناصر خسرو به هر دو زبان صورت گرفته است. خود متفکر با کاربردزبان فارسی دری و تاجیکی خود را با افتخار پیرو رودکی و عنصری می شمارد لیک در بابتاستفاده زبان عربی دانشمندان عربی زبان حسان و بحتری را یادرس می نماید:

این فخر بس است مرا که به هر دو زبان،

حکمت همی مرتب و دیوان کنم.

جان را ز بهر مدحت آل رسول

که رودکیو گاهی حسان کنم. (۲۰)

و آن چه در زمان من بود از فقه و اصول ا قلام او اکثرا به مطالعه ضبط کردم و نهصد تفسیر به نظر زدم. و در این مدت پانزده سال دیگر گذشت. بعد از آن به دانستن زبان ثلاثه شروع کردم یعنی تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود علیه السلام ...

ناصر خسرواز موجودیت دو دیوان، دیوان تاجیکی فارسیو عربی چنین بیت ادیب ذواللسان نیز گواهی می دهد:

بخوان هر دو ديوان من تا ببيني،  
يكي گشته باعنصرى بحتري را  
آموزش زبانهاى مختلف را از طرف ديگر سفرهاى هفت ساله ناصر خسرو به  
کشورهای گوناگون زبان و مختلف مذهب (ماوراء النهر، ارمنستان، حلب،  
طرابلس، شام، سوریه، فلسطين، مصر، تونس، عراق، سودان و غيره) تقاضا  
می کرد. (۲۱)

قطع نظر از دانش مکمل در زبانعربی ناصر خسرو زبان اجداد خویش، درى  
تاجیکی را چون بنیاد تالیفات هم علمى و همادبى و بدیعی قرار داده و در  
رشد و تکامل و گسترش جغرافى آن گام و اقدامى پر ارزش گذاشته است .  
اسلوب ناصر خسرو در طرز قصیده استادى نشان داده وبعد از قصیده  
بمثنوى پرداخته وباقسام ديگر شعر وقع زيادنهاده هدف قسم اعظم قسايد  
ناصر خسرو بحث واستدلال در مسائل دینى ودعوت بايمان ومعنویت وتحقير  
دنیاى مادى واعراض از آرایشهای و فریبهای این جهان فانی وتحريض بر انتباه  
وریاضت وتقوى وتحريك بر رجوع اؤ ظاهر بیاطن است. با این روش اشعار او  
از جهاتى از اشعار قصیده سرايان معروف فرق دارد که از آنجمله عارى بودن  
از تغزل ومدیحه سرانیست چنانکه در قصیده معروف که با این مطلع شروع  
میکند:

نکوهش مکن چرخ نیلوفرى را برون کن ز سر باد خیره سرى را(۲۲)

مبحث دوم: اهمیت یمکان در زندگى ناصر خسرو

باتمام این احوال ناصر در یمکان دستگاه ریاست مذهبی برای خود ترتیب  
داده وبشرحی که در آثار البلاد قزوینی آمده است وی در آنجا باغها وقصور  
وحمامهایی ساخته بود.

فایده یمکان برای ناصر خسرو در آن بود که وی در آن درهء حصین از شر  
دشمنان خود آسوده وبر کناربود و ازبیم سوء قصد مخالفان از آن درهء دور  
دست بیرون نمى آمد وعلى الخصوص اندیشهء باز گشت بخرسان را بهیچ  
روى در خاطر نمى گذارند.(۲۳)

حکیم فرزانه دره یمگان آثاری پراج از خویش به یادگار نهاد؛ آثاری که هر  
چند بررسی گسترده آنها در حوصله این دفتر نیست ولي اشارهای گذرا به  
نام و موضوعشان بسیار ضروري مي نمايد.

#### ۱ - ديوان اشعار

ديوان ناصرو که محتویات آنرا تا سى هزار بيت نوشته اند اکنون زياده يازده  
هزار بيت دارد ودر آن اشعار فلسفى واخلاقى ومذهبی وقطعات عبرت آمیز  
فراوانست .

#### ۲ - روشنايي نامه

این اثر منظوم سراسر اندرز و حکمت است. عارف قبادیان، با بهره گیری از حکمت و هنر بسیار خویش، مجموعه‌های با ۵۹۲ بیت فراهم آورده، تا مشتاقان کمال به یاری آن پای در راه راست نهند. از روشنایی نامه

بدان خود را که گر خود را بدانی      ز خود هم نیک و هم بدار بدانی  
 ۱. شناسی وجود خویشتن شو      پس آنکه سر فراز انجمن شو  
 چو خود دانی همه دانسته باشی      چو دانستی زهر بدرسته باشی  
 ندانی قدر خود زیرا چینی      خدا بینی اگر خود را بینی  
 ترا نه چرخ وهفت اختر غلامست      تو شاگرد تنی، حیفی تماست!  
 مشو پابند لذات بهیمی      اگر جوای آن خرم نعیمی (۲۴)

"اته"، خاورشناس شهره آلمان، در ۱۸۷۹ م برای نخستین بار این اثر را در مجله انجمن شرقی آلمان در لایپزیک به چاپ رساند. اندکی بعد در ۱۳۴۰ هـ. ق نسخه "اته" همراه سفرنامه حکیم بلخ در برلین منتشر شد. "اته"، که علاوه بر دانش فراوان از ذوق هنری نیز برخوردار بود، این اثر ناصر خسرو را به زبان آلمانی برگردانید و در قالب شعر به هرچند عارف کهنسال دره یمگان در پایانترین بخش اثر یاد شده پرده از تاریخ نگارش آن برداشته، ولی اختلاف نسخه‌های موجود تعیین تاریخ درست را با دشواری رو به رو ساخته است. نگاهی گذرا به یکی از پندهای پرارز ناصری در این کتاب شریف می‌تواند ما را با افق اندیشه پیر دره یمگان آشنا سازد: دمی از حق مشو غافل از این راه‌چو می‌دانی که آید مرگ ناگهاز او خواه استعانت در همه کار که چون او کس نباشد مرتورا یارتوکل در همه کاری بر او کنز غیر او بگردان رو در او کثبات دولت و دین راستی دانز کذب این هر دوراکمکاستی دانچو عهدی با کسی کردی بجا آر که ایماناستعهد از خویش مگذار خرد بهتر بود از زر که داریکه در زر کس نبیند هوشیاریاگر صبرت به دل دربار گرددظفر آخر تو را دلدار گرددبه هر سختی مکن فریاد بسیاربنوش آن و مده دل را به تیماربرادر آن بود که روز سختیتو را یاری کند در تنگ بختینکویی گر کنی منت منه زانکه باطل شد ز منت جود واحسانبه وقت صبحدم می‌باش بیدارمگر در صبحدم بگشایدت کارفیلسوف یمگان تاریخ نگارش کتاب را چنین گفته است: نهادم این کتاب روح پرورگشادم بر دل اهل خرد دربه شعر خوب و شیرین جان فزایمبه حکمت در سخن معجز نمایمچو دریایی که باشد آب او خوش‌چو عالی آسمانی خوب و دلکش‌معنبر روشنایی کرد نامشخرد را روشنایی از کلامشبه سال چارصد سه بیست بر سرکه هجرت کرد آن روح مطهرمحمد آن که از ما باد بدروان را رهنمای جنت او بودرسیده جرم خور در برج ماهیگرفته در حمل مه پادشاهیمه شوال از روز نخستینقران افتاده اندر برج شاهینبکردم ختم این فرخنده دفتربرون آوردم این پاکیزه گوهربه یک هفته رسانیدم به آخرمقالات مقدس را سراسر بسی بودند (۲۵)

## ۲- سعادتنامه

این کتاب نیز چون روشنایی نامه در پند سروده شده، دارای سیصد بیت است.

از سعادت نامه

چو خواهی کرد با کس دشمنی ساز      میفگن دوستی با او ز آغاز  
 فگندن دوستی با کس سلیمست      وفا بردن بسر کاری عظیمت  
 مر نجان کس مخواهش عذر از آن پس      که بد کاری بود رنجاندن کس  
 مکن قصد جفا گر با وفایی      ز سگ گبعی بود گر گ آشنایی  
 چو رنجانیدن کس هست آسان      بدست آوردنش نبود بدان سان (۲۶)

فاگنان فرانسوی در ۱۸۸۰ م سعادتنامه و برگردان فرانسویاش را در مجله انجمن شرقی آلمان به چاپ رساند. بعد از این تاریخ، در ۱۳۴۰ هـ ق نسخه سعادتنامه فاگنان همراه سفرنامه حکیم خراسان به زیور چاپ آراسته شد.

باب بیست و ششم این اثر گرانسنگ با عنوان تجرد چنین اندرز می‌دهد. چه بندي بر رباط پر خطر دلمسافر تا به کي ماني به منزليل است این دهر و تو بر وي روانینسازد خانه بر پل کاروانیچو خواهی زین سرا رفتن یکی روزشب تجرید را شمعی برافروزمجرد باش چون عیسی مریمتبراً کن چو ابراهیم ادهمز پیش از مرگ از این بستان گذرکنسرا و باغ و بستانی دگر کنکه گر با مال و گر با جاه و گنجیباید رفت از این دیر سپنجیده و گیر تو جاویدان نماندجهان را حالا یکسان نماندچو عیسی راه ما بر آسمان استجهان یکسر چراگاه خران استهمی‌دون بگذرد این عمر چون بادتو خواهی دردمند و خواه دلشادسرای عاریت با کس نماند همه کس دامن از وي بر فشاندهجت جزیرهخراسان باب سیام کتاب را چنین پایان بخشیده‌است: بگفتم بیت سیصد از دل پاکه‌مه دوشیزگان طبع و ادراکطبیعت داده آرایش تمامشخرد کرده سعادتنامه نامشز من در سخن را بار بستنز نیک اختر سخن را کار بستندر این گنج را بر تو گشادمکلید گنج در دست تو دادمسعادت یار خواهی در همه کارسخنهای شریف از دست مگذاربکن در گوش کاین در ثمین استحدیت ناصربن خسرو این است .

## ۴ - زادالمسافرین

کتاب مهم دیگر ناصر خسرو است که از جمله مهم‌ترین کتب کلامی اسماعلیه شمرده میشود. تالیف این کتاب در سال ۴۵۳ صورت گرفته است تا زاد مسافرین این عالم صور باشد و بدانند از کجا آمده اند و کجا همی شوند زاد مسافرین بر گیرد که مسافر بی زاد هلاک پر خطر باشد. زاد المسافرین در بیست وهفت قول نوشته شده ومؤلف در این اقوال از اقسام علم وبحث در حواس واجسام و متعلقات آن ونفس وهیولی ومکان وزمان وترکیب وحدوث عالم واثبات صانع وخلقت عالم وکیفیت اتصال نفس

بجسم ومعاد و رد مذهب تناسخ واثبات ثواب وعقاب وموضوع لذت بحث کرده او در

بخشهای بیست و هفت مسایل فلسفی مورد نظر نویسنده یاری دهد:  
قول اول: اندر قول که آن در علم حاضران است.: اندر کتابت که آن در علم  
غایبان است.: اندر حواس ظاهرقول

\* اندر حواس باطنقول  
\* اندر جسم و اقسام آنقول ششم: اندر حرکت و انواع آنقول: \* اندر  
نفسقول

\* اندر هیوليقول

\* اندر مکانقول

\* اندر زمانقول

\* اندر ترکیبقول

\* اندر فاعل و منفعلقول

\* اندر حدث عالمقول

آخرین قول بیست وهفتم : اندر اثبات ثواب و عقاباین کتاب در ۱۳۴۰ هـ-ق.  
(۲۷)

۵ - وجه دین

یکی دیگر از آثار مهم مذهبی ناصر خسرو است که آنرا در مختصری از  
مسائل کلامی و تاویلات و باطن عبادات و احکام شریعهء اسماعیلیان است.  
در این کتاب به بیان چهره ناپیدای عبادتها و احکام شریعت به روش  
اسماعیلیان پرداخته است.

۶ - خوان الاخوان

حکیم قبادیان این اثر را به نثر پارسی در موضوع اخلاق حکمت، و اندرز به  
رشته نگارش کشیده است.

۷ - جامع الحکمتین

این کتاب بر گشایش مشکلات دینی و معضلات فلسفی بود مر این کتاب را  
جامع الحکمتین وسخن گفتم اندر و با حکماء دینی بآیات کتاب خدای تعالی  
واخبار رسول او علیه السلام و با حکماء فلسفی و فضلاء منطقی ببرهانها  
عقلی و مقدمات منتج مفرج ، از آنج حکمت را خزینه خاطر خاتم ورثه  
الانبیاست علیهم السلام و شتی از حکمت نیز اندر کتب قدماست. (۲۸)

۸ - رساله گشایش و رهایش

پیداست که اصل کتاب گشایش و رهایش جوابهایست که ناصر خسرو  
بسی سؤالی داده است که ازو کرده بودند ونخست سؤالهای طرح شده را  
نوشته و سپس جوابهارا آورده است. در چاپ این کتاب همه جا عینا املای  
اصل نسخه را رعایت کره ام و هیچگونه تصرف را روا نداشتم . (۲۹) ناصر این  
اثر پارسی را در پاسخ چند پرسش یکی از برادران مذهبی نگاشته است.  
او در این رساله سی پرسش و پاسخ به زبانی ساده و منطقی گرد آورده،  
آن را رهایی بخش نفسهای مؤمنان و پاکدلان و گشاینده دشواریهای آنان  
شمرده است.

## ۹- سفرنامه

این اثر شرح مختصر سفر هفت ساله حکیم قبادیان به شمار می‌آید. این کتاب یکی از نمونه های زیبا و ارزنده نثر قرن پنجم هجری است و نشان دهنده اثری با همه خصوصیات سبکی آن قرن، لغات آن چه تازی و چه پارسی در حد اعتدال و تراش خورده و کافی برای اداری مقصود است و جمله ها در حد رسائی است و در مقام قیاس با تاریخ بیهقی تعبیرات پیچیده ندارد و متأثر از جمله بندی زبان عرب نیست، روان و بی پیرایه است، معانی همه لباسی یک دست از الفاظ به تن دارند و وافی به مقصودند. این اثر شرح مختصر سفر هفت ساله حکیم قبادیان به شمار می‌آید. (۳۰)

## نتیجه گیری

ناصر خسرو بعد از طی مقامات ظاهری در اندیشهء تحری حقیقت افتاد و در این اندیشهء در از بسیاری شهر ها را بگشت و با اقوام و علمای مختلف مجالست کرد. نخست این که ناصر خسرو و تجربه سخن و روان و سخن سنجان پیشینه مثل رودکی، دقیقی، فردوسی، سینا و دیگران راسر مشق فعالیت گوناگون جنبه خویش قرار داده و بعد بازگشت بایران از نیم متعصبان خراسان بناحیهء بدخشان در اقصای مشرق ایران پناهنده شد و در قلعهء یمگان اعتکاف گزید و همانجا بار شاد اسمعیلیان و تالیف کتب و سرودن اشعار خود. بسیار از قصاید ناصر خسرو بحث و استدلال در مسائل دینی و دعوت بایمان و معنویت و تحقیر دنیای مادی و اعراض از آرایشهای و فریبهای این جهان فانی و تحریض بر انتباه و ریاضت و تقوی و تحریک بر رجوع او ظاهر بباطن است. ناصر خسرو از آنجا به مازندران رفت و سپس به نیشابور آمد و چون در هیچ کدام از این شهرها در امان نبود به طور مخفیانه میزیست و سرانجام پس از مدتی در بدری به دعوت امیر علی بن اسد یکی از امیران محلی بدخشان که اسماعیلی بود به بدخشان سفر نمود و بقیه ی ۲۰ تا ۲۵ سال عمر خود را در یمگان بدخشان سپری کرد.

**مآخذ ومراجع :**

- ۱- صفا ، ذبيح الله، تاريخ ادبيات در ايران، چاپ سوم ، تهران ۱۳۳۹ ص ۴۵۸
- ۲- التونجی ، محمد ، قطوف من الادب الفارسی ، بيروت ۱۹۶۷ ص ۱۰۲
- ۳- صفا ، ذبيح الله، تاريخ ادبيات در ايران، چاپ سوم ، تهران ۱۳۳۹ ص ۴۴۶
- ۴- ناصر خسرو ، زاد المسافرین ، از انتشارات کتابفروشی محمودی ، چاپ برلين ، ۱۳۴۱ هج ص ۳۹۷
- ۵- ناصر خسرو، ديوان اشعار، تصحيح مجتبی مینوی- مهدی محقق ، چاپ ششم ، تهران ۱۳۸۴ ص ده
- ۶- رضازاده شفق: تاريخ ادبيات ايران، شرکت مطبوعات تهران ۱۳۱۵ ص ۸۲
- ۷- صفا ، ذبيح الله، تاريخ ادبيات در ايران، چاپ سوم ، تهران ۱۳۳۹ ص ۴۴۹- ۴۵۰
- ۸- ناصر خسرو، ديوان اشعار، تصحيح مجتبی مینوی- مهدی محقق ، چاپ ششم ، تهران ۱۳۸۴ ص ۳۱۱- ۳۱۳
- ۹- همان مآخذ ص ۳۱۴
- ۱۰- قبادیانی ، ناصر خسرو: سفر نامه ، به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی ، تهران ۱۳۷۳ ص ۱۷
- ۱۱- صفا ، ذبيح الله، تاريخ ادبيات در ايران، چاپ سوم ، تهران ۱۳۳۹ ص ۸۹۶
- ۱۲- فروزانفر ، بدیع الزمان ، سخن وسخنوران ، چاپ دوم ، انتشارات خوارزمی ، ۱۳۵۰ هج ص ۱۵۴- ۱۵۵
- ۱۳- براون، ادوارد: تاريخ ادبيات ايران از فردوسي تا سعدي، چاپ دوم، ترجمه و حواشي فتح الله مجتبابي، سازمان کتابهاي جيبی، تهران ص ۱۳۴
- ۱۴- حاجي خليفه: كشف الظنون من اسامي الكتب و الفنون، دارالفکر، بيروت ۱۹۸۲ م. ص ۱۲۱
- ۱۵- صفا ، ذبيح الله: تاريخ ادبيات در ايران ، چاپ سوم ، انتشارات ابن سینا، تهران . ۱۳۳۹ ص ۴۵۴
- ۱۶- ناصر خسرو، ديوان اشعار، تصحيح مجتبی مینوی- مهدی محقق ، چاپ ششم ، تهران ۱۳۸۴ ص ۱۰
- ۱۷- محقق، مهدی: تحليل اشعار ناصر خسرو، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۵۹ ص ۱۱۶
- ۱۸- مدرس، محمد علي: ريحانة الادب، چاپ دوم، کتابفروشي خيام، تهران ۱۳۶۹
- ۱۹- منصورى، فيروز: نگاهي نو به سفرنامه ناصر خسرو، انتشارات چاپخش، تهران ۱۳۷۲ ص ۱۶
- ۲۰- موسوي خوانساري، محمد باقر: روضات الجنات في احوال العلما و السادات، چاپ اسماعيليان، قم. ۱۳۹۰
- ۲۱- رضازاده شفق: تاريخ ادبيات ايران، شرکت مطبوعات تهران ۱۳۱۵ ص ۸۳
- ۲۲- صفا ، ذبيح الله، تاريخ ادبيات در ايران، چاپ سوم ، تهران ۱۳۳۸ ص ۴۵۴
- ۲۳- نوایي، مير نظام الدين عليشير: تذكرة المجالس النفايس، به اهتمام علي اصغر حکمت، کتابفروشي منوچهری ۱۳۶۲
- ۲۴- صفا ، ذبيح الله، تاريخ ادبيات در ايران، چاپ سوم ، تهران ۱۳۳۸ ص ۴۶۸
- ۲۵- هدايت، رضا قليخان: رياض العارفين، تصحيح مهديقلي هدايت، کتابخانه مهديه تهران، تهران ۱۳۱۶.
- ۲۶- صفا ، ذبيح الله، تاريخ ادبيات در ايران، چاپ سوم ، تهران ۱۳۳۸ ص ۸۹۴



- ٢٧- ناصر خسرو، زاد المسافرين، به كوشش ادوارد براون، محمد بذل الرحمان، برلن ١٣٤٠هـ ق.ص ٥-٦
- ٢٨- ناصر خسرو ، كتاب جامع الحكمتين، بتصحيح ومقدمهء فارسى وفرانسوى هنرى كربين و محمد معين ، تهران ١٣٣٢ ص ٣
- ٢٩- قباديانى ، ناصر خسر ، كتاب گشايش و رهايش، با تصحيح ومقدمهء، سعيد نفيسى ، چاپ دوم ، طهران ١٣٤٠ ص د
- ٣٠-قباديانى ، ناصر خسرو: سفر نامه ، به كوشش دكتور محمد دبیر سياقى چاپ هشتم ، تهران ١٣٨٤ ص سى و هشت.

**Nasser Khosrow hair characteristics and effects**  
**Dr. Baic Abdul Jabbar Ziara Ala**  
**University Of Baghdad / College of languages –**  
**Persian Section**

**ABSTRACT:**

Nasser Khosrow is considered one of the greatest poets and scholars and speakers Persians undoubtedly. The main feature of his hair that include the many sermons and governance as well as the hand appeared to him in his call for sectarian religious poems. In a statement Calfsol descriptions of nature and the night sky and the stars and the likes of it. Also, the ability of a great poet, and his accuracy and ample. He has contacted senior thousand Ismailis and many books and poems, poems and creating Nasser Khosrow many businesses that have extensive information Persian poetry.